

مطالعه تاریخی پیامدهای تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران مطالعه موردی: کرمانشاه و لرستان (پهلوی اول)

داریوش رحمانیان^۱

شایان کریمی^۲

چکیده

مسئله اصلی این مقاله تبیین اثرات تجاری شدن کشاورزی بر ساختار اجتماعی و اقتصادی غرب ایران در دوره پهلوی اول است. مقاله می‌خواهد پیامدهای توسعه کشاورزی تجاری در غرب ایران را نشان دهد. رویکرد پژوهش کیفی است. داده‌ها از آرشیو اسناد و منابع کتابخانه‌ای بر اساس نمونه‌گیری هدفمند گردآوری شد. روش تجزیه و تحلیل گراندد تئوری است. بر مبنای تئوری زمینه‌ای محقق پیش فرض‌ها را درهم می‌شکند و از داده‌های خام نظمی نو می‌آفریند. یافته‌ها نشان می‌دهد افزایش تقاضای بازارهای بین‌المللی به محصولات تجاری و حاشیه سود قابل توجه کاشت محصولات تجاری (مانند تریاک و چغندر) در مقایسه با کاشت گندم و جو از عمده‌ترین عوامل تغییر الگوی کشت و توسعه و تکامل کشاورزی تجاری در غرب ایران بود. تجاری شدن کشاورزی عامل اصلی تغییر سیاست‌های کلان دولت از محوریت «توزیع» به «تولید» بود. این فرآیند منجر به فروپاشی نظام ایلی، سقوط نظام ارباب رعیتی روستایی و توسعه شهرنشینی شد. همچنین دو قطبی شدن کشاورزی و توسعه قطب کلان کشاورزی سرمایه‌داری به همراه تخصصی شدن دانش بهره برداری از زمین، بالا رفتن ارزش کار فردی و ماشینی شدن کشاورزی از دیگر پیامدهای تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران بوده است.

کلید واژگان: کرمانشاه، لرستان، پهلوی اول، تجاری شدن کشاورزی، تئوری زمینه‌ای.

rahmanian@ut.ac.ir

shayan_karami99@yahoo.com

۱. دانشیار تاریخ، دانشگاه تهران، تهران - ایران (نویسنده مسئول)

۲. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه تهران، تهران - ایران

Agriculture commercialization in western Iran

D. Rahmanian¹

Ah. Karami²

Abstract

The purpose of this article is the conceptualization of the consequences of the commercialization phenomenon in western Iran. The main issue of the paper is the explanation of the effect of agriculture commercialization, which is being examined that, why and how this phenomenon occurs. The research approach is qualitative. Data was collected from the archives of library documents and resources, based on targeted sampling. The method of analysis is grounded theory. The findings show that the evolutionary process of commercialization of agriculture in western Iran during the middle Qajar period to the end of the Pahlavi, led to the collapse of the Islamic system, the collapse of the rural landlord and the development of urbanization. Similarly, the two-polarization of agriculture, the development of the poles of capitalist agriculture, along with the expertise of land-use knowledge and the rise in the value of individual labor and the mechanization of agriculture, were among the other consequences of commercialization of agriculture in western Iran. The dependence of Iran's economic system, the global climate of global domination, and the need for international markets, have led to the production of commercial products, along with a huge disparity in the cultivation of commercial products (such as opium and beet), compared with the cultivation of wheat and barley, were among the major factors in changing the pattern of cultivation and development and the development of commercial agriculture in western Iran.

Keywords: "Kermanshah" , "Lorestan" , "Commercial Agriculture" , "Capitalism" , , "Grounded Theory".

¹ . Associate Professor of History, University of Tehran, Tehran-Iran

rahmanian@ut.ac.ir

² . PhD in Iranian Post-Islamic History, University of Tehran, Tehran-Iran
shayan_karami99@yahoo.com

مقدمه

تجاری شدن کشاورزی یکی از پدیده‌های جالب توجه و پر اهمیت در تاریخ معاصر کشورهای بزرگ جهان بوده است. این پدیده به اندازه‌ای مهم است که ریشه‌های علیّی تغییرات بنیادین نظام‌های سیاسی تعدادی از کشورهای بزرگ جهان در دو قرن اخیر در رابطه با آن تبیین و تفسیر می‌شود. وقوع جنبش تنباکو در ایران، دهه اول سده چهاردهم قمری، به خودی خود گویای جایگاه تجاری شدن کشاورزی در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی قرن‌های اخیر است. به درستی نمی‌توان تاریخ دقیقی برای آغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران نشان داد. برخی از اندیشمندان به دوره قاجاریه و برخی دیگر به دوره صفویه اشاره می‌کنند. به نظر نویسندگان این مقاله آغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران مصادف با جلوس شاه عباس اول صفوی بر تخت سلطنت بوده است. اولین محصول کشاورزی تجاری در ایران ابریشم بود (شاردن، ۱۳۷۴: ج ۲، ۹۰۳). در دوره صفویه ایران بیش از ۸۵ درصد ابریشم مورد نیاز اروپا را تأمین می‌کرد (بابایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۴). تنباکو، پنبه و گندم دیگر محصولات کشاورزی بودند که در دوره صفویه ارزش تجاری داشتند (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۶۰۲). از دوره صفویه تا اواسط قاجاریه ابریشم عمده‌ترین محصول تجاری نقدینه‌آفرین اقتصادی ایران بود. به روایت شاردن محصول ابریشم ایران در سال ۱۰۸۱ ق ۱۹۰۰۰۰۰ کیلوگرم بود که دوسوم آن در گیلان به عمل می‌آمد (شاردن، ۱۳۶۳: ۳۶۹). به دلیل بیماری کرم ابریشم در سال ۱۲۸۱ ق صادرات این محصول نزدیک به ۸۰ درصد سقوط کرد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۲؛ سیف، ۱۳۷۲: ۱۲۶). هرچند کانون تولید ابریشم زمین‌های شمالی ایران بود اما افت شدید صادرات این محصول سبب تغییر الگوی کشت در سایر نواحی و جایگزینی تریاک در تجارت خارجی شد (رنجبر و حسام‌پور، پاییز ۱۳۹۵: ۸۵). کاشت محصولات نقدینه آفرین با هدف فروش و سودآوری زمینه‌ساز تغییر و تحولات جدی در ساختار کشاورزی و نظام مالکیت زمین در ایران شد. همگرایی اقتصاد وابسته به زمین در ایران (مبتنی بر توزیع) با نظام اقتصاد سرمایه‌داری جهانی (مبتنی بر تولید) در چهار مرحله سنخ‌شناسی می‌شود: مرحله اول: تجاری شدن کشاورزی؛ از ابتدای سلطنت شاه عباس اول صفوی تا اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار. مرحله دوم: توسعه کشاورزی تجاری؛ از اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه تا پایان قاجاریه. مرحله سوم: کشاورزی سرمایه‌داری و صنعتی؛

دوره پهلوی اول. مرحله چهارم: توسعه کشاورزی سرمایه‌داری و صنعتی؛ پهلوی دوم. برای همگرایی با نظام اقتصاد جهانی در هر مرحله جهت‌گیری سیاست‌های کلان دولت از اقتصاد مبتنی بر توزیع به اقتصاد مبتنی بر تولید تغییر کرده است. در دوره پهلوی اول با احداث تعدادی از صنایع تبدیلی، مانند کارخانه‌جات قند، گام‌های مؤثری در راستای صنعتی‌سازی و رشد تولید در بخش کشاورزی برداشته شد. اما تغییر بنیادین در سیاست‌های توزیعی زمین و آب و محوریت یافتن سیاست‌های تولیدی تا انجام اصلاحات ارضی و ایجاد مجتمع‌های بزرگ کشت و صنعت به تعویق افتاد. هدف این مقاله تبیین پیامدهای تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران در دوره پهلوی اول است. ضمن این هدف، علل و عوامل و چگونگی فرآیند تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران نیز بررسی می‌شود. سؤالاتی که پژوهش حاضر به آنها پاسخ می‌دهد، به این شرح است: تجاری شدن کشاورزی چه اثراتی بر ساختار کشاورزی در غرب ایران داشته است؟ چه عواملی زمینه‌ساز تغییر الگوی کشت معیشتی به کشاورزی تجاری شد؟ کانون مطالعه مناطق کرمانشاه و لرستان است. و بدیهی است منظور از غرب ایران مناطق ذکر شده می‌باشد.

در پژوهش‌های پیشین مطالعه مستقلی درباره کشاورزی در غرب ایران انجام نشده است. بنابر این اتکای تحلیل‌های این مقاله بر اسناد، منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌هایی است که ضمن بررسی نظام کشاورزی ایران، اشاراتی به غرب ایران داشته‌اند. وحید فلاح نوشیروانی در مقاله‌ای با عنوان *سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران* این پدیده را مورد بررسی قرار داده است. نوشیروانی می‌گوید سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران از آغاز سال ۱۲۶۴ق، مصادف با جلوس ناصرالدین‌شاه قاجار، می‌باشد. فرض نوشیروانی درباره سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران، اشتباه است. سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران مصادف با دوره سلطنت شاه عباس اول صفوی بود، زمانی که ایران ۸۰ درصد ابریشم مورد نیاز اروپا را تأمین می‌کرد. قباد منصور بخت در مقاله *کشاورزی تجاری در دوره قاجاریه* فرایند گذار از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری را از دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بررسی کرده است. منصور بخت می‌گوید وابستگی اقتصاد ایران به کالاهای بازارهای اروپایی و مشکلات تأمین هزینه کالاهای وارداتی از عوامل عمده روی آوردن به کشاورزی تجاری بود. مهم‌ترین کاستی پژوهش‌های پیشین در این نکته است که آنها تفاوت بین

سیاست‌های مبتنی بر توزیع و سیاست‌های مبتنی بر تولید را مغفول گذاشته‌اند. در پژوهش‌های پیشین شکل سنتی کشاورزی در ایران به عنوان یک فعالیت تولیدی فرض شده است. در تاریخ اقتصادی ایران تولید مفهومی غریب است و بیش از تولید بر توزیع تأکید می‌شود. دولت به عنوان بزرگ‌ترین مالک در طرف عرضه و جامعه به عنوان بزرگ‌ترین مستأجر در طرف تقاضا جای می‌گیرند. دولت توزیع کننده منابع طبیعی (آب و زمین) و جامعه مصرف کننده این منابع محسوب می‌شود. از دوره پهلوی اول به واسطه رشد کشاورزی تجاری سیاست‌های توزیعی دولت به سیاست‌های تولید محور تغییر می‌کند. اما تا اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ش) موفقیت چندانی در تولید بخش کشاورزی به دست نیامد.^۱

روش تحقیق حاضر کیفی از نوع گراند تئوری^۲ با رویکرد اشتراک^۳ و کوربین^۴ است. گراند تئوری در سال ۱۹۶۷م توسط دو جامعه شناس، بارنی گلاسر^۵ و آنزلم^۶ اشتراک، به منظور ارائه چهارچوبی برای فهم تجربه‌های بیماران در حال مرگ کشف و در کتاب معروف آنها، تحت عنوان «کشف نظریه زمینه‌ای»^۷ منتشر شد (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۳۱۳). در تعریف آنها گراند تئوری یعنی کشف نظریه از داده‌های واقعی که در جریان تحقیق اجتماعی گردآوری شده‌اند (Glaser & Strauss, 1967: 1). این نظریه وامدار دو سنت فکری علوم اجتماعی، کنش متقابل نمادین^۸ و پراگماتیسم^۹ است (Corbin, 2017: 301). در روند گراند تئوری محقق پیش فرض‌ها را در هم می‌شکند و از عناصر قدیمی نظمی نو

۱. مسئله فقدان شرایط تولیدی در تاریخ اقتصادی ایران و تنظیم قوانین و مقررات برای توزیع منابع طبیعی از مباحث بسیار مهمی است که تاکنون در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است. پیشینه نظری این مقوله به دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک، ابن خلدون، آدام اسمیت و شاگردش دیوید ریکاردو برمی‌گردد. در مقدمه ابن خلدون مفهوم تولید تحت عنوان «صنایع» مورد توجه قرار گرفته است. ابن خلدون با تفکیک کار تولیدی از کار غیر تولیدی به درستی کشاورزی سنتی را فعالیتی غیر تولیدی فرض کرده است. برای اطلاعات بیشتر نک: بن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۷۵)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی. هم-چنین نک:

Ricardo, David. (2001). *On the principles of the political economy and taxation*. Canada: Batoche Books.

2 . Grounded Theory

3 . Strauss

4 . Corbin

5 . Barney Glaser

6 . Anselm S.

7 . Discovery Grounded Theory

8 . Symbolic interaction

9 . Pragmatism

می‌آفریند (اشتراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۲۷). برای چهار دهه پس از مرگ اشتراس گراند تئوری توسط شاگردان و شاگردان شاگردان وی توسعه و به بسیاری از نواحی جهان و سایر رشته‌های علوم انسانی و پرستاری راه یافت. رویکردهای دیگری از گراند تئوری توسط شاگردان اشتراس معروفیت یافته است. از جمله: گراند تئوری سازه‌گرا^۱ توسط کُسی چارماز^۲، تحلیل ابعادی^۳ توسط لئونارد شاتزمن^۴ و تحلیل موقعیت^۵ توسط آدل کلارک^۶ مهم-مهم‌ترین رویکردهای گراند تئوری در دهه اخیر بوده‌اند (Janice & Others, 2016: 15).

روش گردآوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای است. داده‌ها پس از جمع‌آوری، عبارت-بندی و کدگذاری شد. در ادامه روند مطالعه از نمونه‌گیری هدفمند^۷ برای دستیابی به اطلاعاتی برای تبیین پدیده تجاری شدن کشاورزی استفاده شد. روند تجزیه و تحلیل داده‌ها تا اشباع نظری^۸ و مفهومی ادامه داشت و در نهایت شرایط علی، راهبردها و پیامدهای پدیده، پدیده، مشخص شد. کار تجزیه و تحلیل و کدگذاری باز^۹ در حین جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفت. پس از تجزیه و تحلیل، داده‌ها به حالت اشباع و تکرار رسیدند و ادامه گردآوری متوقف شد. در روند گراند تئوری خواص و ویژگی‌های مختلف پدیده، بر اساس مشابهت داده‌ها، به منظور ثبات معنایی نظریه به مقولات و مفاهیم همگون تقلیل می‌یابد (Creswell, 2007: 67). در سطح اول کدبندی، بر حسب مشابهت، کدها، در سطح بالاتری از تفکر انتزاعی تقلیل یافتند و ۱۴۰ مفهوم اصلی ساخته شد. در سطح دوم کدبندی یا کدبندی محوری^{۱۰} ۵۵ مقوله عمده ساخته شد و در مرحله سوم یا کدبندی گزینشی^{۱۱} ۸ تم اصلی شکل گرفت که در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است.

- 1 . Constructivist Grounded Theory
- 2 . Kathy Charmaz
- 3 . Dimensional Grounded Theory
- 4 . Leonard Schatzman
- 5 . Situational Grounded Theory
- 6 . Adele Clarke
- 7 . Purposive Sampling
- 8 . Theoretical Saturation
- 9 . Open Coding
- 10 . Axial Coding
- 11 . Selective Coding

جدول ۱: مفاهیم، مقوله‌های عمده و مقوله‌های هسته استخراج شده

ردیف	تعداد مفاهیم عمده	تعداد مقوله‌های عمده	تم
۱	۱۵	۶	دو قطبی شدن کشاورزی
۲	۲۲	۸	سرمایه‌داری وابسته
۳	۱۷	۹	در تکاپوی تولید
۴	۱۵	۵	فردگرایی
۵	۲۱	۸	فروپاشی نظام تولید جمعی
۶	۱۹	۶	انحصار تجاری
۷	۲۱	۷	توسعه شبکه آبیاری
۸	۱۰	۶	تغییر الگوی کشت

یافته‌های تحقیق

در ادامه شرایط علی، شرایط میانجی، راهبردها و پیامدهای پدیده ذکر می‌شود. مدل پارادایمی پدیده تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران در شکل (۱) قابل مشاهده است.

شکل ۱: مدل پارادایمی پدیده تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران



شرایط علی

«سرمایه‌داری وابسته»، «گذار از زمینداری»، «کشاورزی سودآور»، «املاک سلطنتی»، «احداث کارخانه‌جات» و «مصرف تریاک» عمده‌ترین مقوله‌های شرایط علی پدیده تجاری شدن کشاورزی بود. در ادامه این مقولات بررسی می‌شود.

اقتصاد معیشتی ایران در قرن نوزدهم در مواجهه با نظام سرمایه‌داری سلطه‌جوی جهانی به یک اقتصاد برون‌زا و وابسته تبدیل شد (ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۳۱). عامل تغییر آن بود که بخش کشاورزی عهده‌دار وظیفه تازه‌ای شد، یعنی تولید محصولات برای پاسخ به نیاز بازارهای جهانی (Shakoori, 2002: 46). سیف مقوله «توسعه وابسته» را تبیین‌کننده اقتصاد ایران در قرن نوزدهم می‌داند. شرایطی که در آن توسعه اقتصادی گروهی از کشورهای حاشیه، مشروط به توسعه و تقاضای کشورهای توسعه یافته در مرکز است (Seyf, 1984: 234). سیف می‌گوید فنون ابتدایی در تولید، فروپاشی نظام آبیاری، ناامنی در مالکیت و مالیات-گیری بی‌رحمانه موانع عمده توسعه سرمایه‌داری در ایران بود (Seyf, 1998: 55). فقدان شرایط تولیدی و محوریت سیاست‌های توزیعی دولت، عامل انزوا و وابستگی نظام اقتصادی ایران بود.

گذار از زمینداری به مالکیت زمین از اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه تا اصلاحات ارضی طی چند مرحله صورت گرفت. خردشدن مالکیت‌های کلان و تغییر ساختاری نظام زمینداری به نظام مالکیت زمین (عبداللهیان، ۱۳۹۳: ۲۱۲-۲۰۶) در واقع معلول شکل‌گیری روابط تجاری و سرمایه‌داری در کشاورزی بود. در این راستا، سیاست‌های دولت از نظام توزیع زمین در سطح کلان به سمت سیاست‌های مبتنی بر تولید در نظام بهره‌برداری‌های خرد تغییر جهت داد. تا قبل از مشروطه تیولداری شکل مسلط نظام بهره‌برداری از زمین بود. تیول شامل دهکده، روستا، مزرعه و یا قطعه زمینی بود که از طرف شاه به نخبگان نظامی و غیرنظامی، فرد یا جماعتی، به پاس خدماتی که به دولت ارائه می‌کردند، برای بهره‌برداری و انتفاع، واگذار می‌شد. اولین مجلس مشروطه با نظر کمیسیون اصلاحات اقتصادی تیول را ملغی ساخت (لمبتون، ۱۳۶۲، ۳۳۳-۳۳۱). زمین‌هایی که قبلاً به عنوان تیول به اشخاص واگذار شده بود، پس از قانون رفع تیول کماکان در تصرف آنها باقی ماند. تیولداران و

وابستگی‌شان برای تثبیت مالکیت خصوصی بر زمین‌های دولتی، بخش عمده‌ای از املاک را به نام خود و نزدیکانشان به ثبت رساندند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۴۶۲-۴۵۸). از اواسط دوره قاجاریه دولت برای تأمین کسری نقدینگی، سیاست قطعه قطعه کردن و فروش زمین‌های خالصه را در پیش گرفت (ساکما، ۲۹۵/۷۳۹۰؛ عیسوی، ۱۳۸۸: ۸۳). بخش عمده‌ای از زمین‌های خالصه توسط تجار خریداری شد. اربابان تاجر با تغییر الگوی کشت، کاشت محصولات تجاری را توسعه دادند. این روند در غرب ایران تا اصلاحات ارضی ادامه یافت. آمار و ارقام اصلاحات ارضی نشان می‌دهد از مجموع ۷۳۴۲۷۴ خورده مالک کمتر از یک هکتار زمین در کل کشور، ۴۳۸۶۵۴ مالک در غرب ایران (۹ استان غربی) متمرکز بود. از مجموع ۳۲۲۱۹۳ مالک یک تا دو هکتار زمین در کل کشور، ۲۱۳۷۲۸ خورده مالک متعلق به ۹ استان غربی کشور بود (Majd & Nowshirvani, April 1993: 447).

رشد اقتصاد سرمایه‌داری در ایران و به تبع آن رشد و توسعه داد و ستد نقدی و مهم‌تر از آن وابستگی کشاورزان به بازار، برای تأمین مایحتاج ضروری، ضرورت کاشت محصولات نقدینه‌آفرین را در اولویت قرار می‌داد. طرح توسعه کشت محصولات کشاورزی نقدینه‌آفرین از دوره پهلوی اول به شدت پیگیری شد و از سطح زیر کشت گندم و جو سال به سال کاسته شد (ساکما، ۲۴۰/۲۶۲۸). در ادامه نظر به اهمیت این مقوله جزئیات میزان اختلاف سود و هزینه‌های یک سال کاشت غلات اصلی (گندم و جو) در مقایسه با کاشت محصولات تجاری (برای نمونه چغندر)، برای یک خانوار کشاورز، بر پایه اسناد، محاسبه می‌شود. درآمد و هزینه‌های یک ساله یک دهقان به همراه خانواده‌اش (۳ تا ۴ نفر) و یک جفت‌گاو در اواخر دوره قاجاریه و اوایل پهلوی به شرح ذیل بود: به طور میانگین هر دهقان در یک جفت‌گاو زمین ۲/۵ خروار گندم داریم، و یک خروار غله آبی می‌کاشت. یعنی در مجموع ۳/۵ خروار بذر به یک جفت‌گاو زمین اختصاص می‌یافت. بازدهی کشت داریم در صورت ۳ برابر شدن ۷/۵ خروار بود. با احتساب قیمت هر خروار گندم ۱۲۰ ریال و کسر ۳۰۰ ریال به عنوان قیمت بذر مصرفی، ۶۰۰ ریال سود حاصل کشت گندم داریم بود. حاصل نیم خروار گندم آبی در صورت ۸ برابر شدن، ۴ خروار محصول بود و ۴۸۰ ریال ارزش داشت. با کسر ۶۰ ریال هزینه بذر برای نیم خروار، ۴۲۰ ریال حاصل یک سال زحمت کشاورز از محصول آبی بود. و بالاخره حاصل نیم خروار جو در صورت ۶ برابر شدن، ۳ خروار و قیمت

آن ۳۰۰ ریال بود. با کسر ۵۰ ریال برای قیمت بذر مصرفی، حاصل نیم خروار جو آبی، ۲۵۰ ریال سود بود. در مجموع حاصل کار و زحمات یک خانوار دهقان و یک جفت‌گاو پس از یک سال ۱۲۷۰ ریال سود ناخالص بود. میزان کسورات محصول دهقان به شرح ذیل بود:

۱. تخم بذر سال آینده ۳/۵ خروار غله مرغوب. ۲. گندم برای مصرف نان ۳ خروار غله متوسط. ۳. جو برای مصرف حیوانات ۲ خروار. ۴. بهره مالکانه (سه‌م ارباب) یک چهارم محصول، یعنی ۳/۵ خروار غله خوب. ۵. مالیات ۵ درصد خروار غله خوب (ساکما، ۲۴۰/۱۶۷۳۴). روی هم رفته در صورت ۴ برابر شدن محصول ۳/۵ خروار، واحد یک جفت‌گاو، حدود ۱۴/۵ خروار محصول برداشت می‌شد. با احتساب ۱۲/۵ خروار میزان کسورات، ۲ خروار محصول برای دهقان باقی می‌ماند. بخشی از این ۲ خروار سود دهقان، برای تهیه قند و چای هزینه می‌شد. سرانه مصرف قند یک نفر در سال ۷ الی ۸ کیلو قند بود (ساکما، ۳۷۰/۱۶۴). با احتساب ماهیانه ۳ کیلوگرم قند به قیمت ۲۵ ریال و ۵ ریال برای مصرف چای، جمعاً به ارزش ۳۰ ریال در مجموع یک خانوار دهقان سالیانه ۳۶۰ ریال برای قند و چای هزینه می‌کرد. ۲ خروار غله باقی‌مانده برای کشاورز به ارزش ۲۴۰ ریال کفاف مصرف یک سال قند و چای را نمی‌داد. خرید یک شلوار، یک جفت کفش، دو عدد پیراهن برای زن و بچه، تأمین نفت، صابون، کبریت، توتون و غیره از دیگر هزینه‌های سالیانه یک خانوار دهقان بود (ساکما، ۲۴۰/۱۶۷۳۴). در محاسبه میزان کسورات محصول، سهم میرایی، دهیک کدخدایی، هزینه‌های حمل و نقل غله، سرجفت، دشتبانی و سایر رسومات نظام ارباب‌رعیتی محاسبه نشده است. با این توصیف کاملاً واضح است سود حاصل از کاشت غلات اصلی جوابگوی مخارج سالیانه یک خانوار کشاورز نبود و کاشت محصولات تجاری سودآور ضرورت داشت. در همین دوره مورد بحث بازده محصول یک هکتار چغندر در کرمانشاه ۲۰ تن و قیمت هر تن ۶۵۰ ریال بود. حاصل عملکرد سالیانه یک خانوار کشاورز در ۵ هکتار (حدود یک جفت) چغندرکاری، ۱۰۰ تن چغندر بود. یک سوم محصول به عنوان بهره مالکانه کسر می‌شد. بنابر این حدود ۶۶ تن محصول نتیجه زحمت کشاورز بود. با احتساب قیمت هر تن ۶۵۰ ریال، ۴۲۹۰۰ ریال سود ناخالص یک سال کاشت محصول چغندر بود (ساکما، ۳۷۰/۱۶۴). بدیهی است که کاشت محصولات تجاری در مقایسه با کاشت گندم و جو اختلاف سود زیادی داشت. معمولاً هر خانوار دهقان در کنار زراعت،

مالک تعدادی دام بود. یک رأس گاو شیرده، چند رأس گوسفند و بز، مرغ، خروس و غیره جزو دارایی‌های یک خانوار دهقان بود و عایدات آنها شامل ماست، شیر، کره، دوغ، پنیر، تخم‌مرغ، پشم، پوست، گوشت و غیره در کنار صنایع دستی از قبیل قالی، گلیم، جاجیم، نمد، خورجین، نخ و غیره کسری درآمد کشاورزان را تا حدودی جبران می‌کرد. به گفته یک ناظر اروپایی، دهقان ایرانی با وجود همه مشکلات و معضلات ایستادگی می‌کرد و با سخت‌کوشی در انجام وظایف خود کوتاهی نکرد (ساکما، ۱۶۷۳۴/۲۴۰).

مالکیت رضاشاه در کرمانشاه از عوامل اصلی توسعه کشاورزی تجاری بود. بخش عمده‌ای از خاک کرمانشاه و ایلام از جمله: قصرشیرین، شاه‌آباد، گیلان‌غرب، ایوان، شیروان و چرداول، سومار و غیره در دوره پهلوی اول به مالکیت رضاشاه درآمد. کار نظارت بر آبادانی و توسعه کشت محصولات تجاری و رونق کشاورزی این املاک بر عهده اداره املاک شاهانه بود. کارخانه قند شاه‌آباد با ظرفیت تولید سالانه ۴۰۰۰۰ تن قند در سال ۱۳۱۲ش در املاک رضاشاه تأسیس شد و تا شعاع ۱۰۰ کیلومتر زمین‌های اطراف کارخانه به کشت چغندر اختصاص یافت (ساکما، ۱۶۴/۳۷۰). طرح توسعه کشت محصولات کشاورزی تجاری در دستور کار اداره املاک شاهانه قرار داشت و سال به سال از سطح زیر کشت گندم و جو کاسته شد (ساکما، ۲۶۲۸/۲۴۰). پنبه، خشخاش، لوبیای سفید و قرمز، نخود، کنجد، کرچک و توتون از جمله محصولات پیشنهادی برای زمین‌های شاه بود. توسعه کشت چغندر سبب مطالعاتی برای توسعه شبکه آبیاری، خشک کردن زمین‌های باتلاقی و ایجاد سد‌هایی در غرب ایران شد. احداث سد برف‌آباد در منطقه شاه‌آباد غرب و توسعه شبکه آبیاری مرهون تأسیس کارخانه قند در شاه‌آباد بود. هرچند عواید این زمین‌ها در دوره پهلوی اول به اداره املاک شاهانه اختصاص داشت، اما در رشد کشاورزی تجاری منطقه مؤثر بود (ساکما، ۱۶۴/۳۷۰). طبق آمار و ارقام اواخر دوره پهلوی اول سالیانه ۱۳۰۰۰۰ تن قند در ایران مصرف می‌شد. در سال ۱۳۲۲ش تمام قند تولیدی داخل کشور حدود ۲۰۰۰۰ تن بود و این رقم یک ششم قند مصرفی کشور را تأمین می‌نمود. بقیه نیاز داخلی از طریق واردات تأمین می‌شد (ساکما، ۱۶۴/۳۷۰).

در دوره پهلوی اول کارخانه پنبه لرستان به مساحت ۱۳۰۰۰۰ مترمربع در زمین‌های

خالصه منوچهرآباد ساخته شد (ساکما، ۱۹۳۷/۲۳۰). دو کارخانه پنبه پاک‌کنی نیز در کرمانشاه و گیلانغرب احداث شد. گیلانغرب یکی از بهترین مناطق ایران برای کشت پنبه بود و حدود ۵۰۰۰ هکتار از زمین‌های گیلانغرب به کاشت پنبه اختصاص داشت (ساکما، ۱۳۸۰/۸۸۴۲). پس از احداث کارخانه قند شاه‌آباد، (۱۳۱۲ش) کشت چغندر جای پنبه را گرفت و کاشت پنبه در حوزه کرمانشاه تقریباً متروک شد (ساکما، ۱۳۹۹/۳۸۰). با سقوط حکومت رضاشاه کشت چغندر نیز در سرایشی سقوط افتاد. از اواسط دوره پهلوی دوم تلاش‌هایی برای کاشت مجدد پنبه در غرب ایران صورت گرفت. اما کشاورزان رغبتی به کشت مجدد پنبه نداشتند. علت متروک شدن کشت پنبه در غرب ایران کاهش شدید قیمت آن در بازارهای جهانی بود (ساکما، ۱۳۹۹/۳۸۰).

تا اواخر قرن نوزدهم عمده‌ترین محصول کشاورزی نقدینه آفرین در غرب ایران تریاک بود (سیف، ۱۳۷۳: ۲۱۶). ارزش تجاری تریاک و سوددهی بالا، بدون آسیب نبود و بسیاری از دهقانان و فرزندانشان را به وادی اعتیاد کشاند. بیشتر اهالی مناطق حوزه کشت خشخاش در دوره پهلوی معتاد به افیون تریاک بودند (ساکما، ۱۳۷۵/۲۴۰). در برخی از اسناد آمده است کشاورزان با نوشتن «لعنت‌نامه» و سایر پیمان‌نامه‌های محلی حاضر شدند که «نفع حاصله از زراعت تریاک را بدون زرع و کشت» به مالک بپردازند (ساکما، ۱۳۴۵/۲۴۰). میانگین سالیانه تولید محصول تریاک در دوره پهلوی اول حدود ۶۰۰۰۰۰ کیلوگرم بود. از این میزان ۳۰۰۰۰۰ کیلوگرم برای مصرف داخلی و ۳۰۰۰۰۰ کیلوگرم صادر می‌شد (ساکما، ۱۳۷۰/۲۴۰). در اواخر دوره قاجاریه مصرف تریاک در ایران عمومیت یافت. ویلز می‌گوید سه چهارم از جمعیت کل کشور معتاد به خوردن روزانه سه بار و هر بار به اندازه یک یا چند گندم تریاک بودند (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۱۹).

شرایط مداخله‌گر

از ابتدای دوره قاجاریه نظام اقتصادی ایران از حالت خودبسندگی خارج شد و بر مبنای تقسیم کار در پیرامون نظام اقتصاد جهانی در جایگاه تأمین‌کننده مواد اولیه و خام فروشی قرار گرفت. تحت فشار اقتصاد جهانی درهای بازار ایران به روی کالاهای اروپایی باز شد. عمومیت یافتن مصرف کالاهای اروپایی، اقتصاد روستایی ایران را به نوسانات بازار وابسته

کرد. سالانه بخشی از درآمد کشاورزان برای تأمین کالاهای ضروری مانند چای، قند، صابون، سیگار و انواع منسوجات خارجی اختصاص می‌یافت. این فرآیند در دوره پهلوی اول با سیاست‌های کلان دولت برای توسعه شهرنشینی و تقلیل جمعیت عشایری و روستایی تشدید شد.

زمینه: زمینه یعنی محل رخدادها و وقایع مربوط به پدیده. کرمانشاه، ایلام و لرستان در غرب ایران در دوره پهلوی اول، زمینه مورد نظر این پژوهش است.

پدیده: پدیده مورد بررسی، تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران است.

راهبردها

در روند تجزیه و تحلیل داده‌ها، هفت مقوله راهبردی ساخته شد. مقوله‌های شرایط راهبردی عبارتند از: «سیاست‌های تشویقی»، «کشاورزی رقابتی»، «آموزش‌های نوین»، «در تکاپوی تولید»، «مالکیت آب»، «توسعه شبکه آبیاری» و «صادرات». در ادامه هر یک از مقولات راهبردی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

شرکت‌های تجاری و کارخانه‌ها با اعطای پاداش‌هایی، کشاورزان را تشویق به کاشت محصولات تجاری می‌نمودند. برای نمونه در اثر سیاست‌های تشویقی، شامل پرداخت وام و سایر تسهیلات تولید برای کشت چغندر، بین سال‌های ۱۳۱۶ش تا ۱۳۳۲ش، تولید چغندر کشور از ۶۰۰۰ تن به ۳۰۰۰۰ تن افزایش یافت (ساکما، ۱۶۴/۳۷۰). چغندرکاران کرمانشاه علاوه بر دریافت قیمت چغندر تحویلی به کارخانه قند شاه‌آباد، مقداری قند به عنوان پاداش دریافت می‌کردند (ساکما، ۲۹۷۷۸/۲۴۰).

با سرمایه‌گذاری شرکت‌های تجاری در بخش کشاورزی، نظام ارباب رعیتی و نسق‌بندی دهات دستخوش تغییر و تحول شد. زیرا الگوی سنتی کشت معیشتی در راستای سیاست‌های رقابتی شرکت‌ها، کارخانه‌ها و مؤسسات تجاری و انحصاری دگرگون شد (ساکما، ۳۵۵۹/۲۳۰). در دوره پهلوی اول با توجه به سیاست‌های کلی دولت در جهت توسعه کشت چغندر و احداث تعدادی کارخانه‌جات قند در غرب ایران، کشت برنج در زمین‌های باتلاقی به بهانه مبارزه با مالاریا ممنوع شد (ساکما، ۱۰۸۹۰/۲۴۰).

بی‌سوادی رعایا از جمله عوامل بدوی ماندن کشاورزی و تسلط نظام ارباب‌رعیتی بود. طرح تأسیس مدارس فلاحتی (کشاورزی) لرستان و کرمانشاه مخصوصاً در حوزه املاک سلطنتی به صورت ویژه پیگیری شد تا زمین‌ها و روستاهای حوزه املاک سلطنتی به لحاظ اقتصادی و فرهنگی رشد بیشتری نسبت به سایر مناطق داشته باشند (ساکما، ۲۰۶۴۳/۲۹۷).

به کوشش اداره املاک سلطنتی، مدرسه کشاورزی شاه‌آباد تأسیس شد. این مدرسه یکی از مدارس فعال کشاورزی در ایران بود. در این مدرسه روش مبارزه با انواع آفات، تهیه بذر اصلاح شده، کاشت نباتات جدید، روش‌های آماده کردن زمین کشاورزی با بیل‌زنی و گاوآهن، کودریزی، باغچه‌بندی، گردبندی، بذرپاشی، تهیه خزانه، نشاکاری، آبیاری، نگهداری از زراعت، آماده کردن حاشیه‌های مزرعه برای گل‌کاری و غیره به دانش‌آموزان آموخته می‌شد. دانش‌آموزان مدارس کشاورزی با کمک به کشاورزان مزارع اطراف در مبارزه با آفات، دانش نوین کشاورزی را به کشاورزان سنتی منتقل می‌کردند. در سندی درباره فعالیت‌های مدرسه کشاورزی شاه‌آباد آمده است: قبل از تشکیل دبستان کشاورزی در شاه‌آباد، کشاورزی متداول در این ناحیه منحصر به گندم، جو و بعضی از انواع مختلف صیفی‌جات بود. پس از تأسیس دبستان کشاورزی به کمک دانش‌آموزان مدرسه، انواع مختلف نباتات مانند: چغندر، پنبه، کتان، کنف، شاهدانه، باقلا، انواع گندم و جو، ذرت، نخود، سیب‌زمینی، کرچک، انواع توتون، یونجه، شبدر، اسپرس، انواع خربزه، هندوانه، عدس، گاوآنه، لوبیا، نخودفرنگی، سبزیجات، بادنجان و غیره کاشته شد (ساکما، ۲۰۶۴۳/۲۹۷).

همپای تجاری شدن کشاورزی در ایران، سیاست رونق تولید با اولویت تغییر و تبدیل شیوه سنتی تولید عشایری به کشاورزی مدرن در چند مرحله انجام شده است. ۱. پس از نهضت تنباکو و افزایش کاشت و صادرات محصولات کشاورزی تجاری، طرح اسکان عشایر لرستان در دستور کار مقامات دولتی قرار گرفت. در سال ۱۳۱۲ق در زمان حکمرانی حشمت الدوله، حاکم لرستان و خوزستان، بخش بزرگی از طوایف سلسله در صحرای الشتر تخته‌قاپو و در ۱۲۰ دهکده سکونت داده شدند. همچنین در جلگه خاوه حدود ۴۰ دهکده برای اسکان طوایف دلفان ساخته شد (ساکما، ۲۹۶/۵۰۳، برگ ۲). ۲. در دوره پهلوی اول برنامه ادغام شیوه سنتی تولید عشایری در کشاورزی به روش سرکوب قهرآمیز عشایر (معروف به اسکان عشایر) به اجرا درآمد. ۳. در دوره پهلوی دوم با اجرای برنامه اصلاحات ارضی، ملی شدن

مراعات و ایجاد مجتمع‌های بزرگ کشت و صنعت سیاست رونق تولید در بخش کشاورزی تداوم یافت.

آبرسانی به زمین‌های دیم نیازمند هزینه‌های گزافی بود و از عهده کشاورزان و حتی بسیاری از اربابان خارج بود. احداث کانال‌های آبرسانی به مزارع از طرف دولت معمولاً به تجار و مستأجران املاک به مقاطعه واگذار می‌شد و عواید زمین‌های خالصه برای آبرسانی و آبی کردن زمین‌ها اختصاص می‌یافت (ساکما، ۲۳۰/۲۵۱۱). برای نمونه، در سال ۱۳۰۷ش عواید خالصه ذهاب به مدت ۷ سال در عوض حفر کانال و مشروب نمودن بخشی از زمین های ذهاب به مستأجر واگذار شد (ساکما، ۲۳۰/۲۵۱۱). در دوره پهلوی اول یکی از تجار کرمانشاه به نام خواجه هارون با هزینه شخصی بالغ بر ۲۴۰۰۰۰ ریال نهر خسروی را تعمیر کرد و انشعاب جدید به نهر «خواجه هارون» معروف شد. شرکت‌های آبیاری که زیرمجموعه بنگاه مستقل آبیاری محسوب می‌شدند با مطالعه و ایجاد سدهایی در غرب ایران حدود ۸۰ درصد آب‌های کشاورزی را به تملک خود درآوردند (ساکما، ۳۷۰/۱۶۴). در اسناد شرکت آبیاری و کشاورزی کرمانشاه آمده است: «به محض این که شرکت بازار جدیدی برای متاع خود (آب) به وجود آورد، موجبات شکست مالکین و مستأجرین سایر دهات را فراهم آورده و آنها را وادار می‌نماید که به دلخواه شرکت زراعت نموده و بدون کوچک‌ترین زحمتی سهم شرکت را بپردازند» (ساکما، ۳۷۰/۱۶۴). یکی از شروط اداره آبیاری کرمانشاه برای بهره‌برداری از آب در حوضه شاه‌آباد، این بود که ۸۰ درصد آب باید صرف چغندرکاری شود و ۲۰ درصد بقیه برای سایر غلات به مصرف برسد (ساکما، ۳۷۰/۱۶۴).

در دوره ناصرالدین شاه جز سدی که به همت امیرکبیر بر روی رودخانه کرخه در خوزستان احداث شد، کار چندانی در زمینه آبیاری صورت نگرفت (عیسوی، ۱۳۸۸: ۳۱۸). اولین دوره مطالعات مدرن سدسازی در غرب ایران، به منظور آبرسانی به اراضی، از دوره پهلوی اول و در ارتباط نزدیک با احداث کارخانه قند شاه‌آباد، به منظور تأمین چغندر مورد نیاز کارخانه از نزدیک‌ترین زمین‌ها و کاهش هزینه‌های حمل و نقل انجام گرفت (ساکما، ۳۷۰/۱۶۴). توسعه کشاورزی تجاری سبب مطالعاتی راهبردی برای توسعه شبکه آبیاری، خشک کردن زمین‌های باتلاقی و ایجاد سدهایی در غرب ایران شد. احداث سد برف‌آباد در

منطقه شاه‌آباد غرب و توسعه شبکه آبیاری مرهون تأسیس کارخانه قند در شاه‌آباد بود. پس از احداث سد برف‌آباد، عایدات «بره سیمین» ۶ برابر شد (ساکما: ۳۱۵۴/۲۳۰). احداث کانال‌های آبیاری، ایجاد سد، حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، احداث قنات، استخدام میرآب، توسعه و به‌سازی شبکه آبیاری از جمله فعالیت‌های بنگاه مستقل آبیاری بود که با هدف توسعه سطح زیر کشت چغندر در املاک سلطنتی و سایر نقاط کرمانشاه انجام شد (ساکما، ۱۰۹۵۷/۳۷۰). با انجام مطالعات جدید آبیاری در زمین‌های اطراف شاه‌آباد در مجموع ۱۰۰۰ هکتار از زمین‌های دیم فاریاب شد (ساکما، ۱۶۴/۳۷۰). در اواسط قرن نوزدهم گندم، جو، تریاک، پنبه، محصولات باغی و تنباکو عمده‌ترین اقلام صادراتی غرب ایران بود. در این دوره هنوز چغندر اهمیت تجاری نداشت (Gilbar, 1979: 186). در اواخر دوره قاجاریه تا پهلوی اول در کرمانشاه سالانه ۱۲۰۰ خروار کتیرا از نوع سفید و زرد به ارزش ۲ کروار صادر می‌شد (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۳: ۲۳۰).

پیامدها

«ارزش کار فردی»، «فروپاشی نظام ایلی»، «کمبود غلات اصلی / تورم»، «انحصارگری دولتی»، «شیوع قاچاق»، «شیوع اعتیاد»، «صنعتی شدن کشاورزی»، «اصلاحات ارضی» و «توسعه شهرنشینی» مهم‌ترین مقوله‌های پیامدهای پدیده تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران بود. در ادامه مقاله این مقوله‌ها بررسی می‌شود.

در روش کشاورزی مبتنی بر نظام توزیع منابع طبیعی (زمین و آب)، کار تابعی از سرمایه در طرف تقاضا بود و به شکل مستقل قابلیت عرضه نداشت. در این فرآیند کار رعیتی مولد ارزش نیست؛ بیگاری شکلی از کار رعیتی و ارزش آن برابر با صفر بود. بنابر این نیروی کار یک مصرف‌کننده صرف باقی می‌ماند. تجاری شدن کشاورزی و گسترش روابط تولیدی برای کار ارزشی مضاعف ایجاد کرد. شکل‌گیری شرایط تولیدی و نیاز به کار روزمزدی در شهرها، کارخانه‌ها، راه‌سازی، سدسازی و غیره باعث خروج بخش عمده‌ای از نیروی کار رعیتی از بدنه ساختار کشاورزی شد. پیدا شدن محل‌های دیگری برای عرضه کار و تخصصی شدن دانش بهره برداری از زمین سبب ارتقاء کار رعیتی به کار روزمزدی شد. بالا رفتن ارزش کار تخصصی در کشاورزی باعث فروپاشی نظام‌های بهره‌برداری جمعی

گردید. شکل‌گیری شرایط تولیدی در کشور مسئله مالکیت خصوصی بر زمین را در کانون توجه قرار داد. تصویب قانون ثبت اسناد و املاک برای تثبیت مالکیت خصوصی زمین در این راستا قابل توجه و تفسیر است (ساکما، ۲۴۰/۳۱۹۵۲).

رشد اقتصاد تولیدمحور جامعه ایلات و عشایر غرب ایران را بیش از پیش وابسته به بازار کرد و نیاز به پول نقد، کاشت محصولات تجاری نقدینه آفرین را پیشنهاد می‌نمود. از آنجا که کاشت محصولات تجاری به مراقبت و تخصص بیشتری نیازمند بود، سیاست تخته قاپو کردن کشاورزان کوچ‌رو به شکل ادغام در جامعه دهقانی منجر به فروپاشی جامعه ایلی شد. از دست رفتن استقلال اقتصادی روستاها، تغییر الگوی مالکیت زمین و شکل‌گیری کار مزدی از پیامدهای تجاری شدن کشاورزی برای مناطق روستایی بود (Nowshirvani, 1975: 2).

کمبود غلات اصلی و گرانی نان یکی از پیامدهای اختصاص زمین‌های کشاورزی به کاشت محصولات تجاری بود (ساکما، ۲۴۰/۱۱۴۳۲). از ۱۸۸۵ تا ۱۹۰۰م، به دلیل کاشت تریاک، گندم در کرمانشاه به شدت کاهش یافت و کرمانشاه که در گذشته یکی از انبارهای غله کشور محسوب می‌شد محصولی برای صادرات نداشت (سیف، ۱۳۸۰: ۲۳۹). کرزن می‌گوید پس از قحطی و گرانی نان دولت به این نتیجه رسید که کاشت تریاک عامل اصلی گرانی نان است و احتمال شورش علیه حکومت مرکزی دولت را به فکر ممنوعیت کاشت خشخاش انداخت (کرزن، ج ۲، ۵۹۵). به شکل سنتی گندم ذخیره کشور در انبارهای شخصی مالکان نگهداری می‌شد و دولت در مواقع نیاز اقدام به خرید از مالکان می‌کرد. اختلاف سود بسیار زیاد محصولات تجاری مانند تریاک نسبت به نرخ دولتی خرید گندم باعث احتکار گندم و گرانی نان در اواخر دوره قاجاریه و پهلوی اول شد (ساکما، ۲۴۰/۱۳۳۸۴). در اواخر دوره قاجاریه، به فاصله حدود سه دهه، (۱۸۷۰-۱۹۰۶) قیمت برخی از اقلام غذایی از جمله گندم، جو، برنج، تخم مرغ، گوشت و غیره بین سه تا پنج برابر افزایش یافت (Gilbar, 1983: 192). بررسی مجد و نوشیروانی از ۹ استان عمدتاً غربی ایران (از جمله: آذربایجان، کرمانشاه، لرستان و غیره) نشان می‌دهد در آستانه اصلاحات ارضی (۱۹۶۶) از مجموع ۳۶۳۹ تن محصول چغندر کل کشور ۱۶۹۴ تن در غرب ایران تولید شده است. هم‌چنین از

مجموع ۱۵.۴ تن تنباکو تولیدی کشور ۷.۷ تن به غرب ایران اختصاص داشت (Majd & Nowshirvani, April 1993: 447).

تجارت تریاک روحیه مخبری و محافظه‌کاری را در جامعه روستایی تقویت کرد. انحصار خرید و فروش دولتی تریاک و منافع اقتصادی آن باعث شد تا دولت برای حفظ منافع خویش در تمام دهات کشور از مخبر و جاسوس استفاده کند؛ تا کشاورزان اعمال همدیگر را زیر نظر داشته باشند (ساکما، ۲۴۰/۴۴۶۴۵). انحصار دولتی محصولات تجاری سبب شیوع قاچاق شد. اختلاف قیمت محصولات در بازار آزاد نسبت به نرخ خرید دولتی گرایش به قاچاق را تشدید می‌کرد (ساکما، ۲۹۷/۲۶۰۷۵). حاکم نظامی ایلام در سال ۱۳۱۶ش گزارش می‌دهد «کشاورزان ایلامی محصول توتون خود را با زحمات طاقت‌فرسا در بیغوله‌ها و شکاف‌کوه‌ها پنهان می‌کنند تا از چشم مأموران کمیسیون خرید توتون دور بماند تا در فرصت مناسب به عراق حمل شود» (ساکما، ۲۴۰/۳۱۹۵۱؛ ۲۴۰/۵۶۹۳۷).

تعامل ناگزیر اقتصاد ایران با نظام سرمایه‌داری جهانی دولت را مکلف به اجرای قانونی برای تغییر در الگوی توزیعی نظام بهره‌برداری از زمین و فراهم کردن شرایط برای رونق تولید، به منظور باز کردن راه سرمایه‌داری در ایران نمود. بنابر این قدرتمندترین رکن جامعه مصمم شد دندان پوسیده ارباب‌رعیتی را بیرون بکشد. بخشی از برنامه اصلاحات ارضی (تغییر سیاست توزیع منابع طبیعی به سیاست تولید صنعتی) در دوره قاجاریه و پهلوی اول به شکل واگذاری زمین‌های خالصه به عشایر و روستاییان اجرا شد. برنامه جامع اصلاحات ارضی طی یک دهه، از سال ۱۳۴۱ش تا ۱۳۵۱ش، در سه مرحله به اجرا درآمد. پس از اصلاحات ارضی تولید محصولات کشاورزی در قالب شرکت‌های تولیدی کشت و صنعت، سهامی‌زرعی و تعاونی‌های تولید روستایی پیگیری شد (خسروی، ۱۳۶۷: ۱۵۱).

اگرچه اولین اقدام جدی برای کشت مکانیزه و صنعتی نمودن کشاورزی در سال ۱۳۳۱ش با تأسیس بنگاه توسعه ماشین‌آلات کشاورزی برداشته شد (سوداگر، ۱۳۷۸: ۱۵۶)، قبل از آن در سال ۱۳۲۸ش، کارخانه قند شاه‌آباد، اولین تراکتور کرمانشاه را برای شخم زمین در اختیار چغندرکاران قرار داد (ساکما، ۲۵۰/۶۷۴). استان کرمانشاه تا قبل از اصلاحات ارضی، با به‌کارگیری ۷۶۸ دستگاه ماشین‌آلات کشاورزی پس از استان دوم، مقام دوم را در

مقوله ماشینی کردن کشاورزی به خود اختصاص داد (سوداگر، ۱۳۷۸: ۱۵۷). شرکت‌های کشت و صنعت یا واحدهای بزرگ و مکانیزه کشاورزی شامل زمین‌های زیر سدهای بزرگ و دشت‌های مرغوب، یکی از تغییرات مهم در نظام زمینداری پس از اصلاحات ارضی و شاخص عمده کشاورزی سرمایه‌داری در ایران بود (زنده‌دل، ۱۳۶۰: ۴۲). در مجموع پس از اصلاحات ارضی ۷ شرکت کشت و صنعت دولتی در استان‌های مازندران، فارس، کرمان، آذربایجان شرقی و خوزستان ایجاد شد. ۴ واحد کشت و صنعت نیمه خصوصی - نیمه دولتی در خوزستان ایجاد شد و حدود ۲۰۲ شرکت کشت و صنعت خصوصی در ۱۳ استان احداث شد (زنده‌دل، ۱۳۶۰: ۴۳). شرکت‌های سهامی زراعی و کشت و صنعت مداخله و سیطره دولت در روستاها را تثبیت کرد (ازکیا، ۱۳۸۲: ۱۱۰). آمریکا و بیشتر کشورهای اروپایی سرمایه‌گذاران اصلی شرکت‌های کشت و صنعت در ایران بودند (مؤمنی، ۱۳۵۹: ۳۵۱).

سنگ بنای مدرنیزاسیون (نوسازی) و تشکیلات نوین در غرب ایران، ارتباط نزدیکی با تجاری شدن کشاورزی داشته است. ساختمان‌های «انحصار دولتی تریاک»، «انبار ذخیره گندم»، «اصلاح نژاد اسب» و «نظمیه» جزو اولین ساخت و سازها در خرم‌آباد بودند (ساکما، ۲۳۹/۶۴۱). پس از احداث کارخانه قند در شاه‌آباد، این شهر که سابقاً اهمیتی نداشت، سر و صورت یک شهر به خود گرفت و خیابان‌های متعددی در آن احداث شد (سلطانی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۶). سیاست‌های توسعه شهرنشینی در دوره پهلوی دوم با شتاب بیشتری پیگیری شد (Hooglund, 1973: 238; Mohtadi, 1990: 843).

نتیجه

دوره صفویه سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران است. در دوره سلطنت شاه عباس اول ایران ۸۰ درصد ابریشم مورد نیاز اروپا را تأمین می‌کرد. تا پیش از تجاری شدن کشاورزی سیاست‌های اقتصادی دولت در بخش کشاورزی مبتنی بر توزیع منابع طبیعی بود. تجاری شدن کشاورزی یکی از اثرگذارترین رخداد‌های تاریخ معاصر جهان بوده است؛ زیرا از زمان تجاری شدن کشاورزی سیاست‌های کلان دولت‌ها، آرام آرام، از توزیع محوری در اقتصاد به تولید محوری تغییر جهت می‌دهد. از اواسط دوره قاجاریه، ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه، جذب شدن اقتصاد ایران در نظام اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و ضرورت

پاسخ به نیاز بازارهای بین‌المللی برای تأمین مواد اولیه کارخانه‌های تولیدی اروپا، فرآیند تغییر در سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر توزیع منابع را در ایران شتاب بخشید. جنبش سیاسی و اجتماعی تنباکو (۱۲۶۸ق) یکی از پیامدهای توسعه کشاورزی تجاری در ایران بود که در بسیاری از تحلیل‌ها از آن به عنوان جنبش زمینه‌ساز انقلاب مشروطه یاد می‌شود. کشاورزی تجاری به عنوان الگوی موفق کشاورزی، از بدو پیدایش مورد حمایت و در انحصار دولت قرار گرفت. انحصارگری دولت در تجارت یکی از عوامل اصلی شیوع تبعیض و فساد بود. فروش زمین‌های خالصه و الغای تیول و تسعیر سه اقدام مهمی بود که در توسعه سیاست‌های تولیدی کشاورزی تجاری بسیار مؤثر بود. سیاست‌های حمایتی دولت برای کاشت محصولات تجاری در دوره پهلوی اول به اوج رسید. چغندر، تریاک و پنبه سه محصول مهم تجاری در غرب ایران (کرمانشاه و لرستان) بود. احداث کارخانه‌جات قند و پنبه در مناطق مختلف غرب ایران از جمله کرمانشاه و لرستان و ضرورت تأمین مواد اولیه، سبب توسعه سطح زیر کشت چغندر و پنبه در این مناطق شد. مالکیت رضاشاه در کرمانشاه به لحاظ توسعه و ارائه الگویی از کشاورزی تجاری و صنعتی برای سایر بهره‌برداران مؤثر بود. ضرورت تأمین برخی از اقلام مصرفی نقدی خانوارهای روستایی مانند قند و چای، سبب وابستگی مناطق روستایی به بازار شد. وابستگی به مصرف کالاهای بازار، ضرورت تأمین پول نقد را ایجاب می‌کرد. بنابر این کاشت محصولات تجاری نقدینه‌آفرین اهمیت بیشتری یافت.

همپای توسعه کشاورزی تجاری در ایران، از اواسط دوره قاجاریه تا پایان دوره پهلوی اول، ضرورت انجام اصلاحات ارضی، به منظور افزایش بهره‌وری در تولید احساس می‌شد. در دوره پهلوی اول اصلاحات ارضی به روش واگذاری زمین‌های خالصه به بخش خصوصی، شکستن مالکیت‌های کلان در نظام زمینداری و اسکان عشایر به شکلی ناقص به اجرا درآمد. برنامه جامع اصلاحات ارضی در ارتباط مستقیم با تجاری شدن کشاورزی و به منظور تولیدی شدن بخش کشاورزی در دوره پهلوی دوم اجرا شد. در واقع اصلاحات ارضی مرحله‌ای از رشد کشاورزی تجاری بود که سبب اضمحلال شیوه بهره‌برداری معیشتی از منابع طبیعی شد. آبی بودن محصولات کشاورزی تجاری، سبب توسعه کشت آبی، ساخت سدها و توسعه شبکه آبیاری در غرب ایران شد. همچنین فروپاشی نظام ایلی، ازدیاد جمعیت

روستایی، توسعه شهرنشینی و سیاست‌گذاری در جهت رونق تولید از دیگر پیامدهای توسعه کشاورزی تجاری در غرب ایران بود.

خطای استراتژیک همه نظریه‌ها و تحلیل‌های حوزه جامعه‌شناسی تاریخی، تاریخ اقتصادی و اقتصاد سیاسی ایران - به استثنای تحلیل‌های مبتنی بر لحاظ درآمدهای نفتی - در این است که نظریه‌پردازان، بهره‌برداری از منابع طبیعی (زمین و آب) را به عنوان یک فعالیت تولیدی فرض گرفته‌اند. کاشت گندم و برداشت دوباره همان گندم در واقع بهره‌برداری از منابع طبیعی است و نمی‌توان آن را تولید گندم نامید. اما تبدیل گندم به نان یک فعالیت تولیدی محسوب می‌شود. در تحقیقات پیشین زمین، آب، کار و سرمایه به عنوان عوامل و نهادهای تولید در طرف عرضه تحلیل شده است. در حالی که باید زمین و آب در طرف عرضه (دولت) و کار و سرمایه در طرف تقاضا (جامعه) تحلیل شود. کار فعال در بخش کشاورزی تا پیش از اصلاحات ارضی یک کار غیر تولیدی محسوب می‌شود. بنابر این تا پیش از اصلاحات ارضی، نیروی کار رعیتی در بخش کشاورزی، غیر مولد و مصرف‌کننده بود. به عبارت دیگر، تجاری شدن کشاورزی، نیروی کار غیر مولد کشاورزی (کار رعیتی) را به نیروی کار مولد (کار مزدی) تبدیل کرد.

منابع

کتاب

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کلمه.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲)، *نظام های بهره برداری کشاورزی در ایران، چالش‌ها و چاره‌ها*، تهران: وزارت جهاد کشاورزی معاونت ترویج و نظام‌های بهره برداری.
- اشتراس، آنزلم، کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، *اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشرف، احمد و بنوعیزی، علی (۱۳۸۸)، *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی‌فارسانی، تهران: نیلوفر.
- بابایی، سوسن؛ بابایان، کاترین؛ باغدیانتس، اینا؛ مک‌کیب و معصومه، فرهاد (۱۳۹۰)، *غلامان خاصه (نخبگان نوخاسته دوران صفوی)*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان: کتابخانه سنایی.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، *از خراسان تا بختیاری*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- زنده‌دل، حسن (۱۳۶۰)، *نظام ارضی در روستای ایران*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۲)، *جغرافیای تاریخی و تاریخ مقصل کرمانشاهان*، ج ۱ و ۴ تهران: سپا.
- سوداگر، محمدرضا (۱۳۷۸)، *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران؛ مرحله گسترش*، تهران: فرزین.
- سیف، احمد (۱۳۸۰)، *استبداد، مسئله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران*، تهران: رسانش.
- شاردن، ژان (۱۳۷۴)، *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲، تهران: توس.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۹۲)، *مفهوم پردازی واقعیت در جامعه‌شناسی تاریخی: نظام ارباب نمایب در ایران*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها، علی‌رضا صادقی، تهران: جامعه‌شناسان.
- عیسوی، چارلز (۱۳۸۸)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۳۳-۱۳۱۵ق)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره ایران.
- لمبتون، آن (۱۳۶۲)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.

- مجموعه اصلاحات ارضی: شامل کلیه قوانین و آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و مصوبات شورای اصلاحات ارضی (۱۳۴۴). تهران: مجلس شورای ملی.
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هشتم قانونگذاری (۱۳۲۶)، تهران: مجلس شورای ملی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی ضد روش، ج ۱، تهران: جامعه‌شناسان.
- مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۸۳)، گزارش‌های ایالات و ولایات از اوضاع اجتماعی-اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰ ه.ش، تهران: مرکز اسناد ریاست جمهوری.
- مؤمنی، باقر (۱۳۵۹)، مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: پیوند.
- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸)، سفرنامه دکتر ویلز، ایران در یک قرن پیش، غلامحسین قراگوزلو (مترجم)، تهران: اقبال.
- هوگلاند، اریک (۱۳۸۱)، زمین و انقلاب در ایران (۱۳۶۰-۱۳۴۰)، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

مجموعه مقاله

- اشرف، احمد (۱۳۶۱)، «دهقانان، زمین و انقلاب»، مجموعه کتاب: مسائل ارضی و دهقانی (ایران و خاورمیانه)، تهران: آگاه.
- رنجبر، محمدعلی و دهقان حسام‌پور، مهدی (پاییز ۱۳۹۵)، «تجاری شدن تریاک در اقتصاد ایران دوره قاجار»، تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۶، شماره ۳۱، صص ۶۹-۹۷.
- نوشیروانی، س. و (۱۳۶۱)، «سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران»، مجموعه کتاب: مسائل ارضی و دهقانی (ایران و خاورمیانه)، تهران: آگاه.

منابع انگلیسی

- Creswell, John W, (2007), *Qualitative Inquiry Research Design: Choosing among five approaches*, London: Sage publications.
- Glaser, Barney and Anselm Strauss (1967), *Discovery of Grounded Theory*, Translation Publishers.
- Janice, M. Morse, & Others, (2016), *Developing grounded theory the second generation*, Routledge, London and New York.
- Shakoori, Ali, (2001), *the state and Rural Development in post-Revolutionary Iran*, New York & Hampshire: Palgrave.

مقاله انگلیسی

- Corbin, Juliet, (2017), "Grounded Theory", The journal of *positive psychology*, Vol.12, N.3, 301-302.
- Gilbar, Gad. G, (1979), "The Persian economy in the mid-19th century", *Die Welt des Islams*, V. 19, Issue ¼, 177-211.
- Gilbar, Gad. G, (Sumer-Autumn 1983), Trends in the development of price in late Qajar Iran, 1870-1906, *Iranian Studies*, V. XVI, No.3-4, 177-198.
- Hoogland, Eric, (Autumn 1973), "The Khwushnshin population of Iran", *Iranian Studies*, V. 16, No. 4, 229-245.
- Majd, Mohammad Gholi & Nowshirvani, Vahid, (April 1993) "Land Reform in Iran Revisited: New evidence on the results of land reform in nine provinces" *Peasant Studies*, V. 20, No. 3, 442-458.
- Mohtadi, Hamid, (June 1990), "Rural Inequality and Rural-push versus Urban-pull migration: the case of Iran, 1956-1976", *World development*, V. 118, No. 6, 837-844.
- Nowshirvani, Vahid. F, (April 1975), The beginning of commercial agriculture in Iran, *Center Discussion Paper*, No. 225, 1-64.
- Seyf, Ahmad, (1984), "Commercialization of agriculture: production and trade of opium in Persia, 1850-1906", *Middle East Studies*, V. 16, 233-250.
- Seyf, Ahmad, (1998), "obstacles to the development of capitalism: Iran in the nineteenth century" *Middle Eastern Studies*, V. 34, No. 3, pp. 54-82.

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۲۹۵/۷۳۹۰ : ۲۹۶/۵۰۳ : ۲۴۰/۲۶۲۸ : ۲۴۰/۱۶۷۳۴ : ۲۴۰/۱۷۰۵۴ : ۲۴۰/۴۴۶۴۵ : ۲۴۰/۷۵۵۱۳ : ۳۸۰/۱۳۹۹ : ۳۸۰/۸۸۴۲ : ۲۳۰/۱۹۳۷ : ۳۷۰/۱۶۴ : ۳۷۰/۱۰۹۵۷ : ۲۳۰/۳۱۵۴ : ۲۹۷/۲۰۶۴۳ : ۲۴۰/۱۰۸۹۰ : ۲۳۰/۳۵۵۹ : ۲۴۰/۲۹۷۷۸ : ۲۴۰/۱۱۴۳۲ : ۲۴۰/۱۳۳۸۴ : ۲۹۷/۲۶۰۷۵ : ۲۴۰/۳۱۹۵۱ : ۲۴۰/۵۶۹۳۷ : ۲۴۰/۳۱۹۵۲ : ۲۴۰/۱۱۴۳۲ : ۲۴۰/۱۳۳۸۴ : ۲۹۷/۲۶۰۷۵ : ۲۴۰/۳۱۹۵۱ : ۲۴۰/۵۶۹۳۷ : ۲۳۹/۶۴۱ : ۲۵۰/۶۷۴